

معماری اسلامی، معماری ادوار اسلامی، معماری منسوب به اسلام و معماری جوامع اسلامی همه عناوینی هستند که وقتی صحبت از معماری اسلامی می‌شود، نمود پیدا می‌کنند

اختصاصی معماری نیوز: معماری اسلامی، معماری ادوار اسلامی، معماری منسوب به اسلام و معماری جوامع اسلامی همه عناوینی هستند که وقتی صحبت از معماری اسلامی می‌شود، نمود پیدا می‌کنند و من به همه این دیدگاه‌ها معتقدم. اسلام برای معماری یک الگویی ذهنی معرفی می‌کند که این الگویی ذهنی در هر شرایطی به گونه‌ای مشابه نیست. اصل مهم در اسلام این است که خانه مسلمان باید به گونه‌ای باشد که از دید بیگانه مصون باشد که این اصل باید در کشورهای اسلامی رعایت شود.

آنچه که می‌تواند معماری اسلامی باشد، یک الگویی فیزیکی ثابت لایتغیر نیست. یک مسجد، خانه یا بازار ممکن است در زمانی واجد ویژگی‌های معماری اسلامی بوده ولی در جای دیگر و در اقلیم دیگری دارای مولفه‌های معماری اسلامی نباشد. معماری اسلامی مفهومی است که در هر زمانی و مکانی و با فناوری، دانش و سرمایه‌گذاری متناسب آن زمان تجلی خاص خود را دارد.

در قرآن مطلبی راجع به معماری ندیدیم ولی قرآن و اسلام می‌گوید چگونه زندگی کنید و هفت محور را از آن استخراج کردیم که بر اساس آن می‌شود اصولی استخراج کرد که در شهرسازی و معماری کاربرد دارد. بنابراین، باید فضا طوری باشد که دستورات اسلام را بتوان در آن رعایت کرد.

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرمایند زمین مادر شماست. انسان با مادرش چگونه رفتار می‌کند؟ این حدیث حفاظت از محیط زیست را در خود دارد. در توسعه پایدار می‌گویند منابع را به گونه‌ای مصرف کنید که نسل‌های بعد نیز بتوانند از آن برخوردار شوند در این باره اسلام می‌گوید که در یک شرایط متعادل حداکثر تولید را باید انجام داد و حداکثر قناعت را نیز سرلوحه کار قرار داد. اگر این آراء را پیروانیم و وارد زندگی کنیم طریقه و نحوه زندگی ما بسیار فرق خواهد کرد.

در تفکر اسلامی عملکرد مهم است نه عناصر. ما نباید در معماری اسلامی عناصری مثل مسجد، بازار، حمام، فضاهای مسکونی و فضای حرکت را شاخصه معماری اسلامی بدانیم بلکه اسلام یکسری اصول ثابت را معرفی می‌کند که در هر زمان و مکان و هر موضوع خاص از زندگی نمود دارند. به طور مثال مفهوم شکر عملکردی است که معنایش در معماری و شهرسازی این است که وقتی مواد و مصالح را در جهت کمال آنها استفاده کنید شکر را به جای آورده‌اید. اگر نعمت‌ها را طوری استفاده کنید که ولی نعمت را به یاد آورد می‌شود شکر. همچنین است مفاهیمی مثل هویت، خودستایی و ...

معماری فقط کالبد آن نیست، فضا و قلمرو است که یک شهر را می‌سازد و شهر را شهر اسلامی می‌کند. عناصر سازنده این فضا و قلمرو سه عنصر هستند که اولین عنصر مهم، اهل شهر هستند. نژاد و کالبد این انسان‌ها خیلی مهم نیست بلکه تفکر و جهان بینی آن‌ها مهم است.

با مثالی تاریخی، میتوان به اهمیت عنصر اول اشاره کرد: ما مدینه‌المنبئ را به عنوان الگویی شهر اسلامی می‌شناسیم. پیامبر (ص) که به یثرب می‌آیند جز ساختن مسجد در ابتدا تغییر دیگری نمی‌دهند ولی اولین کاری که می‌کنند این است که تفکر اهل مدینه را می‌سازند. عنصر دوم فضای قوانین و رفتارهای آدمیان است. این که مردم چگونه با هم رفتار می‌کنند، با طبیعت چگونه رفتار می‌کنند. انرژی و مصالح را چگونه مصرف می‌کنند و عنصر سوم، کالبد شهر است از جمله بافت و رنگ که بیشتر معماران و شهرسازان به این بعد توجه بیشتری نشان می‌دهند و کالبد شهر را می‌سازند و روی دو مولفه اول توجهی ندارند چون در دو عنصر اول خیلی نمی‌توانند نقش داشته باشند. لازم نیست که همه ساختمان‌ها بسیار محکم باشند، یک بنا می‌تواند خیلی هم محکم نبوده و در نتیجه سرمایه کمتر و در بروز حوادث، تلفات کمتری را نیز دربر

داشته باشد و مقرون به صرفه نیز باشد.

اسلام برای معماری یک الگویی ذهنی معرفی می کند که این الگویی ذهنی در هر شرایطی ثابت است. اصل مهم در اسلام این است که خانه مسلمان باید به گونه ای باشد که از دید بیگانه مصون باشد. مهم به شیوه مسلمانی زندگی کردن است نه اشکال صوری خانه ها.

واژه شهر اسلامی و معماری اسلامی را غربی ها به وجود آوردند. آنها در بررسی معماری مسلمانان متوجه شدند که معماری ما با آنها بسیار متفاوت است و تفاوت را در اسلام دیدند. چون آنها غیرمسلمان بودند پی به این تفاوت بردند و مسلمانان چون در متن بودند معماری خود را اسلامی نمی خواندند همچنان که دیگر مسائل خود را اسلامی نمی خوانند چون اسلام در متن زندگی آنهاست.

معماری تعریف فضا است به گونه ای که آن فضا برای زندگی مطلوب انسان باشد و بتواند او را به سمت کاملش برساند و فضای مطلوب را برای زندگی به وجود بیاورد. در معماری یکسری نمادها داریم که عمومی هستند. به طور مثال در مورد عدد 4 می گویند عددی است که نشان دهنده چهار جهت و عناصر اربعه است.

سریسلسله نیازهای انسان در سه قلمرو است: قلمرو فیزیولوژی، قلمرو روانی و قلمرو معنوی و روحانی. امن بودن یک شهر نیازهای روانی اهل آن را مرتفع می سازد، رزق فراوان نیازهای مادی - فیزیولوژیک انسان ها را تأمین می کند و عدم پرستش بت و پرستیدن خداوند نیازهای روحانی و معنوی مردم شهر را مرتفع می کند.

شهرهای امروزی ما به میزان بسیار کم منطبق با معماری و شهرسازی اسلامی است. وقتی حضرت ابراهیم (ع) خانه کعبه را ساخت به خداوند گفت: خدایا این مکان را شهر قرار بده. خود شهر در اسلام مهم است و حضرت ابراهیم (ع) برای شهر چند مولفه ذکر می کند: 1- امن باشد 2- رزق فراوان باشد 3- در آن بت پرستیده نشود. بنابراین اگر این مولفه ها در شهری باشد، آن مکان از نظر تفکر و حیانی، شهر است. باید یک طرح جامع احیای معماری و شهر اسلامی تهیه شود و بر اساس آن کار کرد. این طرح جامع طرح شهر یا ساختمان نیست. طرح جامعی است که نظام آموزشی، مدیریت و نظام مهندسی را دربر می گیرد.

منبع: نویسنده: محمد نقی زاده - معماری نیوز